

«قهرمان» اصغر فرهادی از اتهام سرقت ادبی تبرئه شد



اصغر فرهادی، کارگردان ایرانی، از اتهام سرقت ادبی از یکی از شاگردانش در ارتباط با فیلم «قهرمان» تبرئه شد. فیلم دربارۀ یک زندانی در شهر شیراز است و برنده جایزه بهترین فیلم جشنواره فیلم کن در سال ۲۰۲۱ شد. آفرهادی یک سال پس از آن، با شکایت آزاده مسیح‌زاده از شاگردان کارگاه فیلمسازی‌اش مواجه شد. مسیح‌زاده گفته بود که موضوع فیلم بر اساس مستند «دوسر برده، دوسر باخت» و تهیه شده است. بر اساس بیانیه دفتر روابط عمومی اصغر فرهادی که در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته است «هر هفت متخصصی» که از سوی دادگاه منصوب شده بودند، «ادعاهای شاکی را فاقد اعتبار تشخیص داده و اتهامات وارده به سازنده فیلم «قهرمان» را ماهیتاً بی‌اساس دانستند.» در این بیانیه آمده است: «پس از طرح شکایت از سوی هنرجوی سابق اصغر فرهادی، (آزاده مسیح‌زاده) مبنی بر نقض حقوق مؤلف در فیلم «قهرمان» و ادعای وی برای سهمیم شدن در کلیه درآمد های داخلی، خارجی و جوایز فیلم قهرمان، دادگاه موضوع را جهت بررسی جامع حقوقی در سه مرحله جداگانه به کارشناسی‌های تک‌نفره و سه‌نفره و در نهایت به هیات سه نفره‌ای از اساتید دانشگاه تهران متخصص در حوزه کپی‌رایت، ارجاع نمود.» موضوع فیلم دربارۀ شخصیتی به نام حیم است که به دلیل عدم توانایی در پرداخت بدهی‌اش در زندان به سر می‌برد اما طی دوروز مرخصی در تلاش است شاکی خود را با پرداخت بخشی از بدهی متقاعد به پس گرفتن شکایت خود کند. اما اتفاقات به گونه دیگری رقم می‌خورد. امیر جدیدی، محسن تنابنده، فرشته صدر عرفایی، سارینا فرهادی و سحر گلدوست از بازیگران این فیلم هستند.

ضرغامی:

مصوبه افزایش ارز مسافرتی بدون اطلاع وزارت میراث فرهنگی بود



وزیر میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی گفت: مصوبه دو برابر شدن ارز مسافرتی که قصد سفر به خارج از کشور را دارند بدون اطلاع وزارت میراث فرهنگی و گردشگری انجام گرفت. به گزارش ایلنا، عزت‌الله ضرغامی دیروز پس از پایان جلسه هیأت دولت، در جمع خبرنگاران افزود: سیاست‌های ارزی کشور ایجاب می‌کند که برای کنترل قیمت ارز در بازار از مقطع تعطیلات نوروزی که معمولاً این مشکل به خاطر هجوم مسافران برای رفتن به تعطیلات، خرید ارز در بازار آزاد ایجاد می‌شود و قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند بانک مرکزی این کار را انجام داد.

افشین یداللهی با «روح باد» به شبکه مستند می‌آید



فیلم «روح باد» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی فرید پناه‌نژاد، بر تراه از افشین یداللهی ترانه‌سرا و روان‌پزشک ایرانی جمعه ۲۵ اسفند ساعت ۱۶ در سال مرگ این هنرمند از شبکه مستند پخش می‌شود. به گزارش روابط عمومی شبکه مستند، پناه‌نژاد در این باره گفت: «روح باد» بانام اولیه «کاش بودی» در یک قسمت ۸۳ دقیقه‌ای برای شبکه مستند تولید شده است. این فیلم مصاحبه‌محور است در آن تصاویر آرشیوی که به زحمات از آرشوهای خصوصی دولتی تهیه شد، بهره‌برده می‌شود. افزون‌برنده یادافشین یداللهی ترانه‌سرای است که به‌سماذ تکرار نام او در تیتراژ آغازین و پایانی بسیاری از آثار تلویزیونی، از هم‌نسلاش به مراتب بیشتر بوده است. یداللهی پزشک متخصص اعصاب و روان هم‌پودوسی کردیم در این مستند به هر دو وجه شخصیت این هنرمند بپردازیم. پناه‌نژاد گفت: زنده‌یاد یداللهی زحمات بسیاری برای روشن نگاه داشتن چراغ خانه ترانه، تربیت ترانه‌سرایان جوان، کمک به بیماران نیازمند، تعامل بین نهادهای حاکمیتی و نهاد مستقل ترانه، سرودن ترانه‌های کم‌ظنیر، کمک به رشد بسیاری از خوانندگان پاپ و ستاره‌سازی آنها، کوشید و من تنها بخش کوچکی از این خدمات را به تصویر کشیدم.



محمدحسن خدایی

سال ۱۴۰۲ به پایان خود رسیده و لاجرم این آخرین یادداشت تئاتری امسال روزنامه «توسعه ایرانی» است. سالی پر فراز و نشیب برای مردم ایران و همچنین اهالی تئاتر از پس حوادث تند سیاسی، مسائل گاه بغرنج اجتماعی و صد البته رکود تورمی اقتصاد کلان کشور. برای گروه‌های اجرایی هزینه‌های تولید چنان بالا رفته که اغلب آنان بیش از پیش برای آماده کردن یک اجرای تئاتری، دست به عصا حرکت کرده و به فکر تولید تئاترهای کم‌هزینه شده‌اند. به صحنه بردن یک اجرا چنان دشوار شده که حضور سلبریتی‌ها و اینفلوئنسر ها را به لحاظ تضمین فروش و موفقیت در گیشه، توجیه‌پذیر کرده است. چنانچه شاهد حضور اینفلوئنسرهایی چون «شقایق دلشاد» و «علی کوچولو» در اجرا خوانی نمایشنامه «آدم‌خوارها» به کارگردانی رضا حماطی در سالن نوفل لوشاتو بودیم. این رویداد فرهنگی از منظر جامعه‌شناختی قابل بررسی است چرا که به منازعات و مجادلات فراوانی مابین اهالی تئاتر دامن زد که مدت‌ها بود پنهان نگه داشته شده بود. اما پرسش از پس این حضور اینفلوئنسرانه روشن بود: آیا صحنه تئاتر، امری است «مقدس» و بنابراین واجد «حرمت» یا اینکه در جهان پسمدرن امروزی، امر مقدسی به آن شکل باقی نمانده و یکی از کارکردهای اجتماعی تئاتر، تخطی از نظم نمادین و حرمت‌شکنی است؟ یا این که پاسخ به این پرسش‌ها به راحتی میسر نیست اما بی‌شک این دل این مباحث تنش آلود و هستی‌شناسانه تئاتر، تامل در باب جایگاه اجتماعی این هنر قدیمی ضرورت تازه یافته است. به هر حال بعد از سیطره یافتن مناسبات بازار بر فضای تولید تئاتر و کالایی شدن هر چه پیشتر آثار منتخب به تئاتر بدنه، این قبیل تضادها و مرزبندی‌ها مابین موافقان و مخالفان گریزناپذیر خواهد بود و بهتر است در باب آن گفتگوی جمعی صورت گیرد. اما مرور اتفاقات این چند روز نشان داد که در فقدان همدلی و همبستگی اجتماعی، این فضای آنتاگونیستی مابین تئاتری‌ها می‌تواند بیش از آن که به گشایش‌ها میدان دهد بر کدورت‌ها بیفزاید و احساسات‌گرایی را بر تفکر انتقادی رجحان دهد. شرط عقل و انصاف حکم می‌کند که افراد به هنگام گفتگو و مباحثه در این قبیل مباحث، گشوده به «دیگری» باشند و هویت و موجودیت‌اش را نفی و انکار نکنند. وضعیت عمومی جامعه این روزها مملو از خشونت کلامی و رفتاری شده و این نتیجه محتوم و غمبار عدم رواداری است. تئاتر بر گفتگو استوار است و نباید اهالی تئاتر به استلزامات گفتگو تن در دهند. گفتگویی همگانی در آگورای شهر که شرط اساسی‌اش پذیرفتن حضور «دیگری» است. این هفته تنها به یک اجرا می‌پردازیم که در این وضعیت و انفسا، حرف تازه‌ای می‌زند و بازیگوشانه به نقد قدرت می‌پردازد.

نمایش «مَثَلث»:

«ساده، صمیمی، خلاق»

«ساده، صمیمی، خلاق». این سه کلمه را با اطمینان می‌توان در رابطه با نمایش «مَثَلث» به کارگردانی قیس یساقی در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر و اجرای مفرح گروه «نخ‌نما» از مشاهد بیان کرد و تماشای

«مَثَلث» ساختن تئاتر به یاری چند دایره و یک مثلث است!

نقد بازیگوشانه «اراده معطوف به قدرت»



آن را به دوست و دشمن توصیه کرد. اجرایی که جهان انسان‌ها را به میانجی حضور اشیا به سوی فانتزی می‌برد و زندگی اجتماعی اشیا را به مسئله‌ای اخلاقی برای انسان سهل‌انگار و مصرف‌گرایی امروز بدل می‌کند. قصه نمایش در کریدور توالیت مرکزی یک ساختمان اتفاق می‌افتد. نشانگرهای قسمت زنانه و مردانه سرویس بهداشتی این مجموعه، از نظر اندازه با یکدیگر هماهنگ نیستند. این نشانگرها که از یک دایره برای قسمت سر و یک مثلث برای نشان دادن بدن زن یا مرد تشکیل شده‌اند یک نقص بنیادین دارند: دایره نشانگر قسمت زنانه نسبت به دایره نشانگر قسمت مردانه کوچکتر است و این می‌تواند یک نقص حرزهای در زمینه کار و همچنین یک توهین جنسیتی در اجتماع انسان‌ها محسوب شود. این نقص مقدمه‌ای است که اجرا به جهان «اشیا» عزیمت کند و با تکنیک جان‌بخشی، به نشانگرها زندگی بخشد و این امکان را فراهم کند که به میانجی نمایشنامه‌های شکسپیری، آنان روایت خویش را از زندگی به نمایش گذارند. این‌گونه است که شخصیت «مَثَلث» از دل نمایشنامه‌های هملت و مکبث خلق شده و تجربه‌ای دلنشین از جهان بازخوانی شده شکسپیر به صحنه آورده می‌شود. گویی با

استفاده از عروسک‌های میله‌ای یا با تومی، با آن سادگی و سهولتی که به بازی دهندگان می‌بخشد در خدمت ایده اجرایی نمایش بوده و به راحتی می‌تواند در یک قاب، دو شخصیت را با یک مثلث و سه دایره بسازد. از این منظر قیس یساقی و گروه همراهش، بسیار موفق عمل کرده و جهان مینیمال و فانتزیک «مَثَلث» را به خوبی طراحی و اجرا پذیر می‌کنند

یک خیمه شب‌بازی مدرن روبرو هستیم که عروسک‌هایش چند دایره و مثلث بوده و بی‌آنکه چهره‌ای را باز نمایی کنند به راحتی می‌توانند عواطف بشری را انتقال دهند و قصه خود را برسانند.

استفاده از عروسک‌های میله‌ای یا با تومی، با آن سادگی و سهولتی که به بازی دهندگان می‌بخشد در خدمت ایده اجرایی نمایش بوده و به راحتی می‌تواند در یک قاب، دو شخصیت را با یک مثلث و سه دایره بسازد. از این منظر قیس یساقی و گروه همراهش، بسیار موفق عمل کرده و جهان مینیمال و فانتزیک «مَثَلث» را به خوبی طراحی و اجرا پذیر می‌کنند. این رویکرد کمینه‌گرایانه در استفاده از اشیا و عروسک‌ها در صحنه‌هایی که شخصیت مثلث با پدر، عمو و همسرش مواجه می‌شود قابل تماشای شاگردان ارتباط برقرار

برگ برنده «مَثَلث» در این نکته است که موقعیت نه چندان استعلایی خویش را از طریق باز خوانی متون شکسپیری به سیاست و اجتماع گره زده و اراده معطوف به قدرت را حتی در مناسبات میان اشیا به نمایش گذاشته است

پرسش از پس حضور اینفلوئنسرانه «شقایق دلشاد» و «علی کوچولو» در اجرا خوانی نمایشنامه «آدم‌خوارها» به کارگردانی رضا حماطی در سالن نوفل لوشاتو مار و شن بود: آیا صحنه تئاتر، امری است «مقدس» و بنابراین واجد «حرمت» یا اینکه در جهان پسمدرن امروزی، امر مقدسی به آن شکل باقی نمانده و یکی از کارکردهای اجتماعی تئاتر، تخطی از نظم نمادین و حرمت‌شکنی است؟

تماشاگرانی که چندان با آثار شکسپیر آشنا نیستند لذت‌بخش و قابل فهم است. اجر البته از متن نمایشنامه جلوتر است و تمهیداتی که بازی‌دهندگان در استفاده از اشیا به کار بسته‌اند به کامیابی نمایش یاری رسانده است. به هر حال پرداختن به اشیا و رویت پذیر کردن آنان در یک موقعیت نه چندان خوشایند چون کریدور توالیت مرکزی می‌تواند جالب باشد. اما برگ برنده «مَثَلث» در این نکته است که موقعیت نه چندان استعلایی خویش را از طریق باز خوانی متون شکسپیری به سیاست و اجتماع گره زده و اراده معطوف به قدرت را حتی در مناسبات میان اشیا به نمایش گذاشته است. اشیا بی‌آنکه تمنای سلطه بر اشیا دیگر را داشته و برای رفاه خویش، نگاهی ابزاری به آنان می‌کنند. اما این اشیا برای انسان‌ها همان معنا و کاربرد را ندارد که برای اشیا بی‌چون نشانگرهای توالیت کریدور مرکزی، اوج این مسئله را در آن بخش مشاهده می‌کنیم که مثلث در حال استحمام است و با عمو و همسرش مواجه می‌شود. این سازه کاسه‌ای شکل برای مثلث یک حمام شاهانه و برای مردمانی که به توالیت مرکزی آمده‌اند تنها یک روشویی دستشوویی است.

نمایش «مَثَلث» را می‌توان محصول نسل تازه‌ای از هنرمندان عرصه تئاتر کشور دانست که بی‌ادعا به صحنه آمده و جهان مورد نظر خویش را خلق می‌کنند. این نسل البته احتیاج دارد بیش از این‌ها از بزرگان این عرصه بیاموزد و بر شانه‌های آنان بایستد. اما با تمامی این حرف‌ها و حدیث‌ها، می‌توان به آینده امیدوار بود و به انتظار آثار بهتری از آنان نشست. چرا که این نسل به مراتب در زندگی خویش تروماهای کمتری را از سر گذرانده و راحت‌تر از نسل پیشین توانسته شهروند جهانی شود. امید است قیس یساقی و دوستانش در گروه «نخ‌نما» با پشتکار و سماجت و خلاقیت، بتوانند در راهی قدم بگذارند که قلمروهای تازه را برای ما متفح کند. این روزها داشتن تجربه بدون نیروی جوانی، قدم زدن در همان راه‌های قدیمی ملالت‌بار است. تئاتر مساهبه صداهای تازه احتیاج دارد تا سنس گذشتگان را قبایی تازه و بسنده بیوشاند. جایی که مثلث‌ها به صحنه آمده و با همان طنز و تخیل و خلاقیت‌شان، ساختارهای منقادکننده موجود و پر قدرت را به چالش کشند. این البته از بخت یاری ما است که می‌توان با چند دایره و مثلث و با کمک شکسپیر جاودان، کارهای بزرگ کرد و علیه باز تولید روال نادانانه قدیمی دست به طغیان زد.

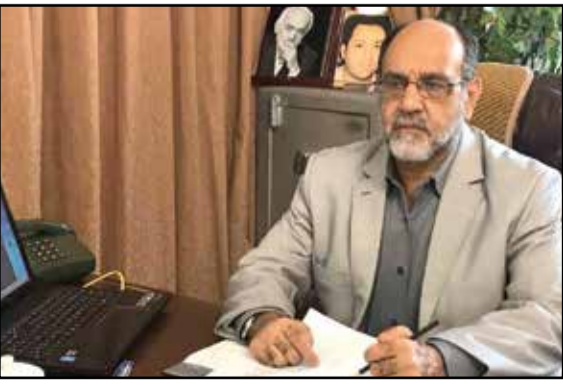


در خواست خود هنوز نتوانسته‌اند از خود را بگیرد، در این زمینه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم به بانک مرکزی نامه‌نگاری کرده اما هنوز ارزی داده نشده است. وی افزود: استمرار این روند موجب افزایش قیمت مواد اولیه صنعت چاپ و کاغذ و مقوا خواهیم بود، من مدتی قبل هم گفتم که امسال سفارش‌های چاپی نسبت به سالیان قبل کم بود ولی با این وجود، مواد اولیه نیز کم بود. شجاع با بیان اینکه طی دو-سه ماه اخیر سقف واردات وارد کنندگان پر شده است، گفت: مسئله اینجاست که بین یک بازگاز گان معمولی و یک شرکت تعاونی که مواد اولیه اساسی اعضای خود را تأمین می‌کنند، تفاوتی نیست در حالی که در قوانین و تصمیم‌گیری‌ها باید به این مسئله دقت کرد. وی همچنین به برگزاری نمایشگاه کتاب در اردیبهشت ماه سال آینده اشاره کرد و افزود: ناشران قبل از نمایشگاه برای چاپ کتاب‌های خود به کاغذ، زینک و مرکب نیاز دارند، اما اگر روند به همین متوال ادامه پیدا کند، سال آینده با گرانی این کالاها روبرو می‌شویم. به گفته وی، خوب است دولت برای تخصیص ارز کاغذ و مقوا و مواد مصرفی صنعت چاپ همچنین رونق تولیدات داخلی کمک کند، زیرا نوسانات نرخ ارز تاثیر مستقیمی بر قیمت تمام‌شده کالاها می‌گذارد و فعالان اقتصادی و تولید کنندگان با فشار بیشتری روبرو می‌شوند.

مدیرعامل تعاونی لیتوگرافان هشدار افزایش قیمت داد

ارز واردات مواد اولیه چاپ تأمین شود

مدیرعامل تعاونی لیتوگرافان با اشاره به عدم تخصیص ارز برای واردات، گفت: استمرار این روند موجب افزایش قیمت مواد اولیه صنعت چاپ و کاغذ و مقوا در سال آینده خواهد شد. غلامرضا شجاع، نماینده اسبق مصرف کنندگان کاغذ در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، با اشاره به وضعیت کنونی مواد اولیه مورد نیاز فعالان چاپ و نشر، عنوان کرد: عدم تخصیص به‌موقع ارز به وارد کنندگان مواد اولیه مورد نیاز دست‌اندر کاران صنعت چاپ آسیب‌های زیادی به همراه دارد و ممکن است در آستانه سال جدید با انفجار قیمت‌ها مواجه شویم. وی افزود: در این زمینه رئیس انجمن وارد کنندگان کاغذ و مقوا و سایر فعالان این حوزه مدت‌ها است که هشدار دادند عدم تخصیص ارز باید به‌طور جدی پیگیری شود، این موضوع حتی برای شرکت تعاونی نیز رخ داده است. شجاع با توضیح درباره این موضوع، گفت: تعاونی لیتوگرافان بعد از ۴۵ روز



گفت و گو